

راهی برای تبدیل بالقوه به بالفعل اقتصادی

## تحولی برای اقتصاد

نگاه دکتر علی‌الله همدانی، صاحب‌نظر اقتصادی به موضوع طرح تحول اقتصادی و لزوم انجام طرح مذکور

از جمله برنامه‌هایی که نوید اجرای آن برای پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور و نیل به عدالت اقتصادی و اجتماعی داده شده، طرح تحول اقتصادی است که رییس‌جمهور در جلساتی، آن را با اقتصاددانان کشور در میان گذاشته است. در واقع باید گفت، تحقق اهدافی نظیر آنچه در این بحث و گفت‌وگوها به کرات از آن یاد شده، از جمله آمل و آرزوهای همه مردم ایران و از شعارهای والای انقلاب اسلامی ایران بوده است. این برنامه‌ها و اجرای آن، امیدبخش اقشار مختلف مردم، به ویژه محرومان و آسیب‌پذیران است، که می‌توان آنها را به ترتیب زیر مورد بررسی قرار داد:

### معضل بیکاری

رفع و یا کاهش بیکاری که از سالیان دور دامنگیر جوانان کشور شده است، یکی از مهمترین برنامه‌های دولت می‌باشد. در واقع باید گفت: این بیماری اقتصادی که بیش از ۲۰ سال، با نرخ دو رقمی، بر اقتصاد کشور سایه افکنده، ناشی از یک سلسله عواملی است که در رأس آن، می‌توان عدم سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه را در کشور نام برد. ایجاد اشتغال، نیاز به حجم بالای سرمایه‌گذاری دارد، ولی آنان که سرمایه دارند و می‌توانند زمینه اشتغال را در کشور فراهم سازند، علاقه‌ای بدین امر ندارند و در پی آن هستند که سرمایه خود را در راهی غیر از تولید به کار اندازند. این تفکر نیز ناشی از عواملی است که در جامعه وجود دارد. در بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات که به نوعی با کارفرمایان سروکار دارند، سعی بر آن است که به نحوی موجبات نارضایتی آنان را فراهم آورند. مراجعی که به رفع اختلاف و حل مشکلات دو طرف می‌پردازند، به ندرت ممکن است توجهی به منافع سرمایه و سرمایه‌دار و نقش عظیمی که این قشر در پیشرفت جامعه دارند، کنند. از جمله این سازمان‌ها، می‌توان به وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، ادارات مالیاتی، شهرداری و امثال آن اشاره کرد. نکته دیگر، وجود قوانین و مقرراتی است که از آغاز، به همه مسایل یکسویه نگریده و تنها منافع قشر معینی را در نظر گرفته است. این قوانین، عمدتاً ناظر بر واحدهای تولیدی - صنعتی، تنظیم روابط کار و ایجاد نظم در محیط کار و فعالیت و امثال آن است که در تمامی این موارد، همچنان که گفته شد، منافع قشری معین مورد توجه است. البته رعایت قشر آسیب‌پذیر و محروم، امری است که از هر لحاظ مقرون به صواب است، ولی

مختلف اقتصادی به ویژه صنعت مصرف می‌نماید، نتیجه مطلوب حاصل نشده و نرخ رشد اقتصادی همواره در نوسان بوده است، به ویژه رشد بخش‌های مختلف اقتصادی نظیر صنعت، کشاورزی و خدمات از رشد منظمی برخوردار نبوده است. در این چارچوب، باید گفت که از یک سو، قوانین و مقررات و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های لازم، در تنظیم برنامه‌هایی جهت نیل به رشدی متوازن، ضروری است و تنها در سایه این قبیل اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها است که می‌توان به رشدی منظم در رشته‌های مختلف اقتصادی، مطمئن گردید.

### بهره‌وری

افزایش بهره‌وری، از دیگر برنامه‌هایی است که نیاز به یک رشته مقدمات دارد. در واقع، در مقام قیاس میزان بهره‌وری در کشور ما و دیگر کشورهای منطقه، باید اذعان کرد که بهره‌وری در کشور ما، نامتوازن بوده است. بهره‌وری از دیدگاه اقتصاددانان، عبارت است از استفاده بهینه از ابزار تولید برای نیل به تولید بیشتر. بدین ترتیب، افزایش سرمایه و بهبود کیفیت تکنولوژی و استفاده از نیروی انسانی کارآمدتر و بیشتر که موجب افزایش تولید شود، با بهره‌وری سر و کار ندارد، بلکه همان طور که گفته شد، روش برنامه‌ریزی، تنظیم بهینه ابزار و لوازم کار، استفاده درست و بجا از تخصص و مهارت کارگران و وجود مقرراتی در جهت تسهیل همکاری کارگر و کارفرما، مجموعاً موجب افزایش بهره‌وری می‌گردد.

### مالیات

بهبود نظام مالیاتی، یکی دیگر از برنامه‌هایی است که در جهت رفع مشکلات اقتصادی کشور انجام می‌پذیرد. در واقع، باید گفت: علیرغم اصلاح قانون مالیات‌ها در سال ۸۰ که مدتی از زمان تصویب آن گذشته و انجام اصلاحاتی را در آن ایجاب کرده، قانون مالیات‌ها همچنان با مشکلاتی روبه‌رو است. بدین معنی که دریافت مالیات‌ها متوازن نبوده و در عین حال منطقی نیست. همچنین، آنان که درآمدهای اندکی دارند، مانند مزد و حقوق بگیران، بیشتر در معرض پرداخت مالیات هستند تا کسانی که درآمدهای بسیاری دارند. این افراد به انحاء مختلف از پرداخت مالیات طفره می‌روند و مقررات مالیاتی چنان روشن و شفاف نیست که بتواند مالیات لازم را از آنان دریافت دارد. همین مسأله سبب گردیده که میزان مالیات دریافتی که پاسخگوی واقعی هزینه‌های دولت است، به هیچ وجه کافی نباشد، لذا دولت مجبور است، بیشتر از درآمد نفت که منبعی تورم‌زا بوده و موجب مشکلات دیگری می‌گردد، استفاده کند.

### یارانه

بحث یارانه‌ها که تاکنون هدفمند نبوده و علیرغم نظر دولت‌ها مبنی بر استفاده از یارانه‌ها برای کمک به

نه تا آن حد که موجب ضرر و زیان آن قشر گردد، ما امروز ملاحظه می‌کنیم که همین قوانین و مقررات، به مانعی در راه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال تبدیل شده و در نتیجه موجب طولانی‌تر شدن صف بیکاران گردیده است. بنابراین، استقبال از سرمایه‌گذاران و



فرهنگ‌سازی لازم بدین منظور و اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر این امور، می‌تواند مانع گسترش بیکاری گردد.

### تورم

این بیماری ناشی از وجود سرمایه در دست مردم و بازار، بدون افزایش تولید است. به عبارت دیگر، هرگاه همزمان با رشد میزان نقدینگی در بازار، تولید نیز رشد کند و میزان کالاها و محصولات تولیدی افزایش یابد، این دو جذب یکدیگر می‌شوند و افزایش قیمت، خودنمایی نخواهد کرد. در کشور ما، درآمد ناشی از نفت، بدون آن که تولیدی وجود داشته باشد، عامل اصلی تورم است، زیرا محصول و کالایی وجود ندارد که در قبال این افزایش سرمایه، به فروش رود و نقدینگی‌های موجود در بازار جذب شوند. بنابراین باید سعی شود که این سرمایه، یعنی درآمدهای ناشی از نفت، در راه دیگری به جز از طریق بودجه کشور مصرف گردد. برنامه‌ریزی‌های زیربنایی به منظور بهبود زیرساخت‌های اقتصادی کشور، یکی از طرقی است که می‌تواند تورم را مهار کند. برنامه نظم بخشیدن به رشد اقتصادی کشور برای سامان‌بخشی اقتصاد، از جمله برنامه‌های تحول اقتصادی است و موفقیت در این زمینه، می‌تواند رشد اقتصادی کشور را به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش بخشد. در واقع، باید گفت که کشور ما از امکانات بالقوه و بالفعل فراوانی برخوردار است و جای آن دارد که رشد اقتصادی سالانه ما، همپای دیگر کشورهای پیشرفته جهان پیش رود، ولی عملاً ملاحظه می‌گردد که چنین نیست و علیرغم سرمایه‌هایی که دولت در رشته‌های

اقتدار محروم و آسیب پذیر، عمدتاً اقتدار دیگری از این یارانه‌ها بهره برده‌اند، محور دیگری از طرح تحول اقتصادی دولت است. دولت برای سوخت، انرژی، برق، آب، گندم، برنج و دیگر کالاها یارانه می‌پردازد تا بدین ترتیب به طبقات کم‌درآمد کمک شود، ولی عملاً اقتدار مرفه و به اصطلاح دهک‌های بالا از این کمک‌ها، به ویژه در انرژی، برق و آب بهره‌مند می‌شوند و بخش اعظم ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه، نصیب این گروه‌ها می‌شود که برای رفع این نابرابری‌ها، نیاز به اصلاح قوانین و مقررات موجود و یا تنظیم و تصویب قوانین جدید است. از جمله

نگاه علمی به بحث سرمایه‌گذاری در کشور

## درهای بسته اقتصاد به روی جهان سرمایه

نقش دولت جامع‌ترین و اثرگذارترین عاملی است که در جذب سرمایه‌های خارجی مؤثر است و بقیه عوامل زیرمجموعه تصمیمات دولت می‌باشند.

سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان انتقال وجه از یک کشور به کشور دیگر، جهت استفاده برای تأسیس یک بنگاه اقتصادی در ارزی مشارکت مستقیم و غیرمستقیم و کسب عواید از آن بنگاه تعریف کرد. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذار به طور مستقیم بر چگونگی فعالیت و سوددهی امور تولید نظارت دارد که یکی از منابع مالی برای کشورهای در حال توسعه است. این نوع سرمایه‌گذاری همچنین در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، سرمایه‌گذار در اداره واحد تولیدی، مشارکت مستقیم نداشته و مسؤولیت مستقیم مالی متوجه وی نیست.

### عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

**نقش دولت میزبان:** دولت‌های میزبان در بهبود ساختارهای سیاسی خود، باید به تشویق جریان ورود سرمایه و تبلیغ فرهنگ سرمایه‌گذاری، خدمات پس از سرمایه‌گذاری، ارایه مشوق‌های مالیاتی و آزادسازی روابط تجاری روی آورند. مهمترین مؤلفه سرمایه‌گذاری خارجی، انبساط بازار از طریق اتخاذ تدابیر و سیاست‌های دولت روی سرمایه‌گذاران خارجی است. ثبات سیاسی نیز، دیگر مؤلفه مهم در جذب این سرمایه‌گذاری‌ها است. بی‌ثباتی سیاسی، مخاطراتی را همچون احتمال از دست رفتن سرمایه در نتیجه فروپاشی سیاسی، امکان ضبط دارایی توسط دولت، نامعلوم بودن نرخ بازگشت سرمایه و گسیختگی جریان عرضه کالا و خدمات، برای سرمایه‌گذاران پیش آورده و باعث گریز آنها می‌شود.

**عوامل اقتصادی - فنی:** عواملی مانند بیمه، قوانین کار، نرخ بهره، نرخ ارز، تورم، بازارهای پولی و مالی و قوانین گمرکی، نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارند. دولت می‌تواند با برقراری معافیت حقوقی و عوارض گمرکی، جریان ورود کالاهای سرمایه‌ای را تشدید نماید. بازارهای پولی و مالی، هرچه از محدودیت

قوانینی که باید در این رهگذر مورد توجه قرار گیرد، قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قانون مالیات‌ها و قوانین بانک‌ها می‌باشد.

متأسفانه در بحث و بررسی مربوط به برنامه‌ها، تنها به اقداماتی که انجام یافته و منجر به نتیجه ملموسی نشده، اشاره گردیده و به اصلاحاتی که باید در قوانین و مقررات انجام پذیرد، توجهی نشده است، حال آن که ضرورت، ایجاب می‌کند که در قوانین موجود اصلاحاتی به عمل آید و یا قوانین جدیدی تنظیم و تصویب گردد. ■

پذیرفته شد، اما دولت، موفقیت‌نمایی برای جذب منابع مالی بین‌المللی از این طریق به دست نیاورد. اصولاً شرکت‌های فراملیتی، نظام‌های ارز قابل تبدیل و سیستم تک‌نرخ کردن ارز را ترجیح می‌دهند. وجود سیستم چند نرخی ارز و کنترل و سهمیه‌بندی ارز، از دید شرکت‌های خارجی، نشانه مضیق ارز است و ریسک عدم امکان انتقال وجوه به خارج را بالا می‌برد. توسل به مؤسسات بین‌المللی برای حل اختلافات نیز، برای شرکت‌های خارجی حایز اهمیت است، ولی به نظر می‌رسد، مفاد کنوانسیون نیویورک، در مورد به رسمیت شناختن و به اجرا گذاشتن داوری بین‌المللی، مورد تأیید ایران نباشد.

از طرفی اگر در خصوصی‌سازی، دخالت سرمایه‌گذاران خارجی مجاز باشد، این امر موجب جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. شرکت‌های چند ملیتی، از آن جهت خواستار رفتار مشابه با شرکت‌های داخلی هستند که این رفتار، منصفانه و در جهت تقویت نظام بازار و مالکیت خصوصی فرض می‌شود. در غیر این صورت، اگر محیط ملی، برای فعالیت شرکت‌های خصوصی داخلی فراهم نباشد، به طریق اولی، شرکت‌های خارجی امکان فعالیت در چنین محیطی را نخواهند داشت. وجود بخش خصوصی بزرگ، قوی و کارآمد برای بر عهده گرفتن سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در مقیاس مشترک با شرکت‌های فراملیتی، زمینه مساعدی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌آورد. هرچند گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است اما تا حصول وضع مطلوب، باید اصلاحات اساسی متعددی در قوانین و نهادهای موجود به عمل آید.

همچنین تعرفه‌های گمرکی و محدودیت‌های مقداری واردات، فی‌نفسه انگیزه‌ای قوی برای سرمایه‌گذاری خارجی با هدف جایگزینی واردات به وجود می‌آورد. اما این عامل، به تنهایی شرط لازم و کافی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، با هدف تصرف بازار داخلی نیست. رشد اقتصادی کم ایران، گویای رشد کند بازار داخلی است و این، خود عامل منفی برای جذب این نوع سرمایه است. لذا به رغم دیوارهای بلند گمرکی، امروزه به جای جذب این نوع سرمایه‌ها، شاهد جذب قاچاق کالا به کشور هستیم. به طور کلی آزادسازی تجاری کشور، موجب رونق کسب‌وکار شعب شرکت‌های خارجی چندملیتی، شرکت‌های مشترک ایرانی - خارجی و شرکت‌های خارجی می‌شود. بی‌ثباتی اقتصادی نیز، بر خطرات ورود سرمایه به کشور افزوده است.

سیاست مالی، سطح عمومی مالیات‌ها را مشخص می‌سازد و از این طریق، بر ورود سرمایه به کشور تأثیرگذار است. در ایران نرخ مالیات بالا نیست، اما در نحوه تشخیص و وصول مالیات‌ها، اشکالات جدی وجود دارد. سیاست نرخ ارز نیز، به ثبات اقتصادی مربوط است و می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر بگذارد. در شرایط تورم بالا در کشور، تثبیت نرخ ارز به منزله دریافت مالیات‌های سنگین از سرمایه‌گذاران خارجی و صادرکنندگان، بر اساس نرخ ارز و ارزنامه‌ای می‌باشد. ■

کمتر و فن‌آوری ارتباطی نیرومندتری برخوردار باشند، جریان نقل و انتقال سرمایه را سریع‌تر می‌گردانند. در این میان، بیمه از مهمترین عوامل حمایتی است که سرمایه‌گذاران را در برابر خطرات احتمالی حفظ می‌نماید.

**چارچوب‌های قانون:** بعد از انقلاب، مسأله وابستگی اقتصادی به کشورهای پیشرفته صنعتی، یکی از دغدغه‌های فکری روشنفکران و علمای مذهبی بود. این موضوع در اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صورت زیر مطرح شده است: دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات در بخش عمومی به خارجیان، مطلقاً ممنوع است، اما قانون اساسی به صراحت در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای نفوذ در بازار داخلی محصولات صنعتی یا عرضه خدمات بانکی، بیمه و امثال آن یا سرمایه‌گذاری خارجی به قصد صدور محصولات و خدمات سکوت کرده است.

همچنین مطابق قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، این نوع از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی و حمل‌ونقل مجاز است و از تسهیلات مندرج در این قانون برخوردار خواهد بود. سرمایه‌گذاری از دید این قانون، عبارت است از ارزی که از مجرای بانک‌های مجاز به ایران وارد شده باشد، وسایط حمل‌ونقل زمینی، ماشین‌آلات، لوازم و ابزار کار و قطعات یدکی ماشین‌آلات و مواد اولیه دیگر. همچنین تقاضاهای مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی، باید به هیأت نظارت بر سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران تسلیم شود.

### موانع جذب سرمایه‌های خارجی در ایران

در برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به منظور تأمین مالی پروژه‌های دولتی، شیوه تأمین مالی از طریق بیع متقابل